



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

### سیاست جنایی مشارکتی اسلام در قبال جرائم اقتصادی

روزبه اصغری<sup>۱</sup>، حسن حاجی تبار فیروزجایی<sup>۲\*</sup>، ابوالحسن شاکری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

۳. استاد گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** اسلام همواره بر سیاست جنایی مشارکتی تأکید داشته است در واقع نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در عرصه علوم جنایی و واکنش به پدیده مجرمانه خاصه در قبال جرایم اقتصادی همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری نیز همین وضعیت را پشت سر گذاشته است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل مؤثر جرم و مهار پدیده‌های مجرمانه است. هدف از سیاست‌گذاری اقتصادی در حوزه اقتصاد مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی است. دولت‌ها همواره در تلاش هستند تا با سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های مختلف، خود را از نظر اقتصادی کارآمد کنند. زیرا آرامش و ثبات اقتصادی مهمترین و اساسی‌ترین مؤلفه امنیت محسوب می‌شود.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت محتوا، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** فساد در نظام اقتصادی جرمی است که سال‌هاست محور سیاست‌های قانون‌گذاری ایران بوده است، اما شتاب‌زدگی قانون‌گذار در تدوین قوانین مرتبط مانع از آن شده است که سیاست جنایی منسجم و قاطعی را در این زمینه دنبال کند. بنابراین موفقیت در امر پیشگیری از جرایم مرتبط با جرایم اقتصادی منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

#### واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، اسلام، جرائم اقتصادی.

#### نویسنده مسوول:

حسن حاجی تبار فیروزجایی

آدرس پستی:

ایران، قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۱۲۱۵۸۱۷۳

کد ارکید:

0000-0003-2156-1344

پست الکترونیک:

hajitabar@yahoo.com

**۱. مقدمه**

از ابتدایی‌ترین دوران مواجهه جوامع با جرم و جنایت که با انتقام خصوصی و سپس عدالت خصوصی آغاز شد تا روزهای اخیر که عرصه مداخله انحصاری دولت‌ها و دولت‌ها در عرصه جنایی، نقش طرف‌های دخیل در فرآیند جنایی، از جمله مجرمان، قربانی، بستگان آنها، جامعه محلی، دولت، نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی دستخوش تغییرات شگرفی شده‌اند. با ناکارآمدی روزافزون این نظام عدالت کیفری و افزایش نرخ جرم و جنایت در قرن بیستم و افزایش چهره سیاه جرم و همچنین سرخوردگی و دل‌سردی بیشتر قربانیان نظام قضایی کیفری رسمی، از اواسط قرن بیستم، متفکران علوم جنایی به سوی بزه‌دیدگان متمایل شدند و پس از بررسی نقش بزه‌دیده در شکل‌گیری پدیده مجرمانه به این نتیجه رسیدند که هیچ سیاست جنایی را نمی‌توان و نباید بدون توجه به بزه‌دیدگان طراحی و اجرا کرد».

**۲. ملاحظات اخلاقی**

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت محتوا، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**۳. مواد و روش‌ها**

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**۴. یافته‌ها**

نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل مؤثر جرم و مهار پدیده‌های مجرمانه است. هدف از سیاست‌گذاری اقتصادی در حوزه اقتصاد مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی است. دولت‌ها همواره در تلاش هستند تا با سیاست‌گذاری اجرای برنامه‌های مختلف، خود را از نظر اقتصادی کارآمد کنند. زیرا آرامش و ثبات اقتصادی مهمترین و اساسی‌ترین مؤلفه امنیت محسوب می‌شود.

**۵. بحث**

در این قسمت ابتدا به تعاریف فنی و تخصصی پرداخته شده است و در ادامه به معیارهای مهم در تشخیص و تعریف جرم اقتصادی از منظر اسلام پرداخته شده است و در راستای نگرش مقنن نسبت به ابعاد جرم به سیاست کیفری سختگیرانه و وجوه آن در قبال جرائم اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفته است و در پایان نیز به سیاست جنایی کنشی و واکنشی در اسلام در قبال جرم اقتصادی پرداخته شده است.

**۵-۱. تعاریف و مفاهیم****۵-۱-۱. تعریف سیاست جنایی**

«سیاست جنایی از دو عبارت «سیاست» و «جنایی» تشکیل شده است، واژه سیاست، به عنوان مصدر متعدی به معنای حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن و ریاست کردن آمده و در مقام اسم مصدر بیانگر؛ ۱.

صرف از ابزارهای سنتی زرادخانه حقوق کیفری، جهت مقابله با پدیده مجرمانه بروز پیدا کرد و بنابراین از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد (رستمی، ۱۳۸۶، ۱۴).

«مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگیشان تأثیر قاطع بگذارند، به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۳۷۶۵).

از واژه مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی، سهیم شدن، مسئولیت‌پذیری، تقسیم کار ارائه شده است. با توجه به معانی مختلفی که از واژه مشارکت ارائه شده، مسلم است که از مفهوم آن نیز برداشت مختلفی صورت گرفته باشد. با این حال، با وجود اختلافاتی که بین برداشتها وجود دارد، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند (سعیدی، ۱۳۸۲، ۹). «ساموئل پل» از جمله افرادی است که تعریفی مرتبط با توسعه محلی مشارکت ارائه کرده است. از نظر وی مشارکت محلی فرآیندی است فعال که در آن بهره‌مندان، به جای آن که صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، بر جهت‌گیری و اجرای پروژه تأثیر می‌گذارد وی برای مشارکت اهداف زیر را قائل شده است:

«۱- مشارکت در هزینه‌ها.

۲- افزایش کارآیی و اثربخشی پروژه.

حکومت، ریاست، حکمداری ۲. عدالت، دآوری ۳. سزا، جزا و تنبیه ۴. محافظت حدود ملک می‌باشد» (معین، ۱۳۸۲، ۱۹۹۶).

از سوی دیگر، واژه جنایی دارای گستره معنایی وسیعی است تمامی اعمالی (فعل‌ها و ترک فعل‌ها) که به نوعی از ارزش‌ها و هنجارهای راستین و مطلوب نظر سیاست کلان عمومی و اجتماعی (سیاست عمومی- اجتماعی) دور می‌شوند را دربر می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۵۴۱). به دیگر سخن، واژه مزبور خود حاوی دو گزینه مبنایی است: بزه و انحراف. با این توضیح که جدای از عمل جنایی که از سوی هیات حاکمه (دولت)، بر مبنای شالوده‌های نخستین پیدایی و پدیداری آن متصف به وصف «جنایی» شده و «جرم» نامیده شده است، سایر اعمالی را که در روند و فراگرد اجتماعی روی می‌دهد و مغایر ارزش‌ها و هنجارهای غالب اجتماعی است (انحراف) نیز در خود جای می‌دهد. با توجه به دو واژه فوق می‌توان گفت که سیاست جنایی مجموعه شیوه‌هایی است که هیأت اجتماع با استفاده از آنها پاسخ‌های علیه پدیده مجرمانه را سازمان می‌دهد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۲، ۱۶).

## ۵-۱-۲. سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی، جدیدترین و مهمترین گرایش سیاست جنایی محسوب می‌گردد که در دوره معاصر در غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و جرم‌شناختی، به ویژه بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در استفاده

در منابع داخلی به علت عدم ارائه تعریف مشخص از سوی مقنن در خصوص این جرایم، برخی «جرایم اقتصادی» را دسته‌ای از جرائم با انگیزه مادی و با ماهیت اقتصادی، یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع، بدون مجوز، ارتشاء و رانت‌خواری، می‌دانند (رئیس دانا، ۱۳۸۳، ۴۰۸-۴۰۳).

عده‌ای نیز این گروه از جرائم را: «فعل یا ترک فعل اقتصادی که موجب اخلال در نظم اجتماعی-اقتصادی جامعه بوده و در قانون جزا برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی- تربیتی در نظر گرفته شده باشد»، تعریف می‌نمایند. تعریف دیگر این است که جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده آن را به خطر می‌اندازند (مهدی‌پور، ۱۳۹۰، ۳۸).

جرم اقتصادی می‌تواند در بستر یک فعالیت حرفه‌ای مشروع ارتکاب یابد مانند بخش‌های مالی، دولتی، بودجه دولتی (مالیات و سایر منابع مالی)، بازار دولتی، مصرف، مبادلات تجاری، تولیدات صنعتی، خدمات اداری و قضایی، اعمال قدرت سیاسی و نیز در بیشتر روابط قراردادی ارتکاب یابد. بنابراین این تعریف بسیار به مفهومی که ساترلند برای اولین بار تحت عنوان جرایم یقه سفیدان مطرح کرد نزدیک است: فعالیت‌های غیرقانونی در بستر فعالیت‌های حرفه‌ای توسط افراد قابل احترام و از طبقه اجتماعی بالا. بنابراین جرم یقه سفیدان به نظر می‌رسد بنیادی‌ترین تعریف از جرم اقتصادی باشد. با این حال از آنجا که امروزه حوزه‌های

۳- توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های آگاهی‌بخش.

۴- افزایش اختیاراتی مانند تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی-شان تأثیر می‌گذارد».

عده‌ای دیگر با دیدی کلی و کلان به مفهوم مشارکت نگریسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق مشارکت آنها در تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته» (کرمی و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۲).

### ۵-۱-۳. تعریف جرم اقتصادی

از بزهکاری اقتصادی غالباً به عنوان مسأله‌ی دنیای امروز بحث می‌شود (اسجوگران واسکوچ، ۱۳۸۹، ۱۲). بعد از گذشت چند دهه از پیدایش و ورود آن به دنیای علوم کیفری، هنوز هم دارای چارچوب و تعریف مشخصی نیست که ناشی از پیشرفت و تحول فزاینده‌ی علوم جدید در دنیای صنعتی و تجاری است. در یک تعریف کلی جرایم اقتصادی را جرایمی دانسته‌اند که برای دستیابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند (ژان لوک بچر و نیکلا کلوژ، ۱۳۸۶، ۱۳۴).

در تعریفی دیگر جرم اقتصادی را اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی تعریف نموده‌اند (اسجوگران واسکوچ، ۱۳۸۹، ۱۲).

## ۵-۲. عناصر مشارکتی بودن در قبال جرائم اقتصادی

با توجه به تعریف اخیر از مشارکت سه عنصر اصلی مشارکت عبارتند از آگاهانه بودن، داوطلبانه و ارادی بودن و تأثیرگذار بودن که در ذیل به بررسی این سه عنصر مشارکت می‌پردازیم:

### ۵-۲-۱. آگاهانه بودن مشارکت

مشارکت جامعه محلی باید آگاهانه باشد، به این معنا که اعضای جامعه محلی از نقش و جایگاه خود در فرایند رسیدگی به جرم مطلع باشند. همچنین برای تصمیم‌گیری صحیح می‌بایستی از محدودیت‌ها و استعدادهای خود و جامعه‌شان آگاه باشند. اهمیت آگاهی اعضای جامعه محلی را می‌توان در مرحله پیش از مشارکت و در مرحله مشارکت بررسی نمود. در مرحله اول، اعضای جامعه محلی می‌بایستی از حق شرکت در جریان رسیدگی به دعوی مطروحه و همچنین از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود و از تأثیر بسزایی که مشارکت آنها بر بزهکاری و بزه‌دیدگی دارد آگاه باشند تا به شرکت در این فرایند متمایل گردند. در مرحله دوم، آگاهی داشتن از آن رو دارای اهمیت است که اعضای جامعه محلی با آگاهی کامل از شرایط جامعه محلی، بزهکار، بزه‌دیده، خسارات ناشی از جرم واقع شده و نیازهای بزه‌دیده و جامعه محلی و حتی بزهکار مبادرت به دخالت در فرایند رسیدگی به جرم نمایند تا نتیجه حاصله از این فرایند مفید به حال جامعه محلی و اعضای آن و بزهکار و بزه‌دیده باشد.

اجتماعی تنوع و تکثر یافته‌اند و افرادی با طبقات اجتماعی مختلف ممکن است جرم اقتصادی مرتکب شوند. باید گفت این مفهوم باید بازتعریف شود.

بنابراین برخی در تعریفی واقع‌بینانه‌تر گفته‌اند جرم اقتصادی جرمی است که از طریق سوءاستفاده از قدرت، جایگاه، نفوذ یا اعتماد در چارچوب نظم اقتصادی و یا سیاسی مشروع با هدف کسب امتیازی غیرقانونی برای خود یا سازمان خود ارتکاب می‌یابد (عشماوی، ۱۳۸۶، ۱۷). این تعریف مجرم اقتصادی را به طبقه خاصی محدود نکرده و در عین حال تنها به ممنوعیت‌های جنایی بسنده نکرده است.

در واقع امروزه جرم اقتصادی در بستر زندگی روزمره و نه با توسل به خشونت و زور بازو و نیروی جسمانی بلکه با تقلب و سوءاستفاده از هوش، استعداد و تدبیر یا فناوری‌های مدرن ارتکاب می‌یابند و ارتکاب آنها مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی تجاری یا مالی است. بدین ترتیب جرم اقتصادی به کمک یا در پناه ساختارها و ابزارهای اقتصادی مشروع بدون توسل به خشونت یا تهدید ارتکاب می‌یابد و عبارت است از استفاده کردن از موقعیت‌ها ناشی از اعتماد و آزادی عمل و اختیاری که کنشگران در روابط اقتصادی دارند. با این وصف در این مقیاس ارتکاب جرم اقتصادی برای همه ممکن و متصور نیست زیرا تا حد زیادی به اختیارات، قدرت یا سرمایه اجتماعی بستگی دارد که مجرمان بالقوه می‌توانند از آن استفاده کنند.

### ۵-۲-۲. داوطلبانه و ارادی بودن مشارکت

اجبار اعضای جامعه محلی به شرکت در فرآیند عدالت ترمیمی ممنوع می‌باشد، زیرا مشارکت در صورتی می‌تواند مؤثر و دارای کارکردهای مثبت باشد که شرکت‌کنندگان مشتاقانه و به دور از هر گونه اجباری مایل به تعقیب مستمر جلسات رسیدگی به اختلافات مطروحه، تلاش جهت شناسایی شرایط و نیازهای جامعه محلی و اعضای آن و تصمیم‌گیری صحیح جهت ترمیم آسیب‌های وارده ناشی از جرم و در عین حال برای اعضا سودمند پردازند.

### ۵-۲-۳. تأثیرگذار بودن مشارکت

«منظور از مشارکت جامعه مدنی، مشارکتی تأثیرگذار بر فرایند رسیدگی و نتیجه حاصله از آن می‌باشد. با توجه به این عنصر می‌توان مشارکت را به دو گونه مشارکت ابزاری و منفعلانه و مشارکت مؤثر و فعالانه تقسیم نمود. در نوع اول فرد تنها در جریان رسیدگی وجود دارد اما شرکت او فعالانه و مؤثر به این معنی که در تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد، نیست. می‌توان در این حالت از شاهدی یاد کرد که از او تنها برای بیان واقعه‌ای که اتفاق افتاده و او ناظر به آن بوده است استفاده می‌شود. اگرچه، برخی از شهادت دادن به عنوان نوعی از مشارکت سنتی مردم در جریان رسیدگی یاد می‌کنند، اما این نوع مشارکت حالت منفعلانه دارد و از شاهد تنها به عنوان ابزاری برای بازگو کردن آنچه اتفاق افتاده است استفاده می‌شود و نه بیان تأثیر جرم بر خود به عنوان یکی از اعضای

جامعه محلی و یا اظهارنظر در مورد تصمیم‌گیری درست» (رستمی، ۱۳۸۶، ۱۳۶). در حالت دوم علاوه بر دخالت داشتن در جریان رسیدگی به اختلاف مطروحه، نظر افراد شرکت‌کننده برای رسیدن به یک توافق اجماعی مدنظر است. به واقع فرد در این حالت یک عامل اثربخش می‌باشد. منظور از مشارکت جامعه محلی نیز مشارکتی فعالانه و مؤثر می‌باشد.

### ۵-۳. معیارهای مهم در تشخیص و تعریف

#### جرم اقتصادی از منظر اسلام

احدی از حقوق‌دانان بدون ارائه تعریفی از جرم اقتصادی، برای تشخیص دقیق آن از سایر جرایم، به ذکر معیارهایی از قبیل انگیزه مرتکب، معیار، وسایل و آلات جرم، ارزیابی مجرم از عمل مجرمانه پرداخته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ۱۲۳). به نظر می‌رسد بهترین و نزدیک‌ترین راه برای پی بردن به مفهوم یک جرم، این است که هدف و ارزش مورد حمایت قانون‌گذار از جرم‌انگاری یک عمل یا به عبارت دیگر مصلحت و منفعت مورد نظر را تشخیص دهیم. در جرم اقتصادی که اساساً قانون‌گذار با این عنوان جرمی را تعریف نکرده، نمی‌توان ارزش مورد حمایت را کشف نمود. لذا باید معیارهای تشخیص جرم اقتصادی را یافت.

#### ۵-۳-۱. انگیزه تحصیل مال

برخی برای تشخیص جرم اقتصادی، به سراغ انگیزه رفته‌اند و گفته‌اند صرف انگیزه‌ی اقتصادی یا صرف تحصیل مال از طریق غیرقانونی و نامشروع کافی

### ۵-۳-۲. وجود تشکیلات و فعالیت اقتصادی

برخی مانند تراکمن<sup>۱</sup> جرم اقتصادی را شامل دو گروه دانسته و گفته‌اند یک دسته جرایم اقتصادی رفتارهایی ذاتاً غیرقانونی هستند مانند اختفای مال مسروقه، تحصیل مال از طریق نامشروع، قمار، گروبندی و نظایر اینها اما دسته دیگر شامل تخلفاتی است که ضمن یا در پی یک فعالیت اقتصادی مشروع اتفاق می‌افتد مانند اینکه فردی یک شرکت تجاری قانونی تأسیس نماید و به واسطه این شرکت مرتکب جرم شود. تراکمن موارد زیر را در این دسته جای می‌دهد:

- ۱- سوءاستفاده از سرمایه مورد استفاده در تشکیلات اقتصادی و فعالیت‌های منجر به ضرر شرکای اقتصادی، سهامداران و غیره؛
  - ۲- سوءاستفاده از سرمایه‌های امانی شرکت، فعالیت‌های منجر به ضرررسانی به بستانکاران و غیره؛
  - ۳- سوءاستفاده از کارگران و انجام اقداماتی علیه مستخدمین؛
  - ۴- نقض حقوق مصرف‌کننده؛
  - ۵- فعالیت‌های علیه رقبا؛
  - ۶- استفاده‌ی غیرقانونی از طبیعت، آلودگی و اعمال ضربه‌زننده به محیط زیست؛
  - ۷- تخلفات مربوط به نقض منافع دولت مانند فساد مالی.
- جرایمی نظیر کلاهبرداری، سرقت، ورشکستگی به تقلب، جاسوسی صنعتی، جرایم کامپیوتری، فساد و جعل نیز در این گروه قرار می‌دهد. برخی از این

است. مطابق این دیدگاه وجود انگیزه اقتصادی محور است و لذا اعمالی مانند قماربازی، سرقت و فحشا را نیز می‌توان در زمره جرایم اقتصادی دانست.

در ارائه این معیار به دو نوع وسیع از جرم اقتصادی اشاره می‌کنند که وجه مشترک آنها، انتظار مرتکبان برای به دست آوردن یک منفعت اقتصادی است: طبقه‌ی نخست شامل توزیع کالا و خدمات غیرقانونی مانند فحشاء، قمار، قاچاق، مواد مخدر، سرقت پول، کالا و خدمات، کلاهبرداری از طریق چک و کارت‌های اعتباری اخاذی می‌شوند. طبقه‌ی دوم را انواع فرارهای مالیاتی همراه با تقلب یا بدون آن تشکیل می‌دهد. در میان نویسندگان ایرانی برخی انگیزه کسب منفعت مادی را یکی از معیارهای اصلی شناسایی جرم اقتصادی دانسته‌اند. ولی برخی دیگر گفته‌اند وجود انگیزه اقتصادی برای تحقق جرم اقتصادی ضروری نیست بلکه غلبه با این انگیزه است (نورزاد، ۱۳۸۹، ۴۵).

جرایم اقتصادی مذکور در تبصره ماده ۲۵ و جرم کلاهبرداری هر چند اغلب با انگیزه اقتصادی ارتکاب می‌یابند اما صرف انگیزه اقتصادی معیار منحصر قانون‌گذار ایران در تعیین مصادیق این گونه جرایم نبوده است مثلاً با وجود اینکه سرقت، جرایم مواد مخدر، جعل و تحصیل مال از طریق نامشروع با انگیزه اقتصادی ارتکاب می‌یابند در زمره جرایم اقتصادی قرار نگرفته‌اند.

<sup>۱</sup> Trackman

در طول دهه‌ی ۱۹۹۰ ارائه گردید. لذا به لحاظ سابقه تاریخی در غرب یکی دانستن این دو جرم طبیعی است (دادخدایی، ۱۳۹۰، ۵۱).

آنچه در این دسته از تعاریف مدنظر است ارتباط جرم با تجارت، حرفه و شغل است. همچنان که به جرم سازمان‌یافته نیز در این قسمت اشاره می‌شود. همه این بحث‌ها بعد از طرح مجرم یقه سفید از سوی ساترلند مطرح گردید (نجفی ابرندآبادی ۱۳۸۴، ۱۲). اما واقعیت این است که جرم اقتصادی و جرم تجاری متفاوتند.

باید گفت دایره حقوق کیفری اقتصادی، گسترده‌تر از جرم تجاری است. مرتکب جرم اقتصادی، الزاماً یک شرکت نیست، بلکه می‌تواند هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد. به عنوان مثال جرایم پول‌شویی، گران‌فروشی، کلاهبرداری، جرایم رایانه‌ای و غیره. بنابراین دامنه جرایم در حقوق کیفری اقتصادی، وسیع‌تر است؛ زیرا بر خلاف حقوق تجارت کیفری که در آن غالباً صحبت از تضمین منافع خصوصی تجار و شرکت‌هاست، حقوق کیفری اقتصادی، کلان‌تر و فراتر از منافع یک عده خاص است. جرم تجاری، بخشی از جرایم اقتصادی و نه همه آن را تشکیل می‌دهد. در حقوق کیفری اقتصادی ایران برخی جرایم تجاری جرم اقتصادی تلقی نشده‌اند (مانند ورشکستگی به تقلب) و برخی از جرم اقتصادی نیز جرم تجاری نیستند (مانند کلاهبرداری) لذا میان این دو مفهوم، رابطه عموم و خصوص من‌وجه وجود دارد (رضایی، ۱۳۹۷، ۲۸).

جرایم، همان جرایم سنتی را تشکیل می‌دهند، مانند سرقت، کلاهبرداری و جعل. در حالی که برخی دیگر، نیازمند قانون‌گذاری خاص می‌باشند مانند جاسوسی صنعتی و جرم کامپیوتری.

قانون‌گذار ایران چنین دسته‌بندی قائل نشده و تفکیکی مشخصی نیز درباره جرایم اقتصادی سنتی و تشکیلاتی ندارد و اساساً چنین معیاری جایگاهی در تعیین مصادیق جرم اقتصادی نداشته است. بسیاری از جرایم اقتصادی مذکور در این قانون بدون وجود تشکیلات و فعالیت اقتصادی خاص نیز امکان ارتکاب دارند. مثلاً اخذ رشوه از سوی مستخدم دولت در هر صورت یک جرم اقتصادی است.

### ۵-۳-۳. تجاری بودن جرم اقتصادی

برخی جرایم اقتصادی را همان جرایم تجاری دانسته‌اند. مارتی<sup>۱</sup> ویژگی حقوق جزای تجاری را سرمایه‌گذاری و وجود تشکیلات اقتصادی می‌داند که وجه مشترک تخلفات مالی، و تخلفات جزایی اقتصادی هستند، که مرتبط با ساختار و حجم تولید و مصرف کالا است. در نوشته‌های اکثر نویسندگان، جرم اقتصادی و جرم تجاری را به طور کامل یا با اندکی اغماض یکی دانسته‌اند. در این دیدگاه، جرم اقتصادی، فعل یا ترک فعلی است که در امر تجارت و به خاطر به دست آوردن منافع اقتصادی، علیه نظام اقتصادی ارتکاب می‌یابد. بحث جرم اقتصادی در ابتدا با ظهور شرکت‌ها و کارتل‌های تجاری جدی شد. مفهوم جرم تجاری

<sup>۱</sup> Delmas-marty



## ۵-۴. سیاست کیفری سختگیرانه و وجوه آن در قبال جرائم اقتصادی

با وجود دو قرن تلاش جهانی برای تلطیف و تعدیل نظام‌های عدالت کیفری و پیگیری سیاست اصلاح و بازپروری مجرمین، تعداد جرایم کاهش نیافته است بلکه بر شدت و حدت آن افزوده شده است و این مسأله منجر به این گردیده است که نظام‌های کیفری هرچه بیشتر به کارایی نظام اصلاح و بازپروری مجرمان تشکیک کنند و لذا نظریه‌های سزادهی بار دیگر با قوت به میدان مبارزه با جرایم بازگشته اند و منجر به ظهور قرائتی نو از نظریه سزادهی با عنوان «نظریه مجازات‌های استحقاقی» گردیده است (غلامی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۱۱۲-۹۷). در این رویکرد جدید، با تأکید بر ضرورت سختگیری به جرم، واکنش‌های شدید نسبت به مجرمان مورد تأکید قرار گرفت. و عدالت کیفری منعطف که دست قاضی را در تحمیل مجازات و نحوه اجرای آن تا حد زیادی باز گذاشته بود جای خود را به مجازات‌های قطعی با نحوه اجرای قاطع و کمتر قابل انعطاف داد. بدین ترتیب حداقل در مورد برخی جرایم حساس و مخل امنیت، سیاست‌های اصلاح و بازپروری به کنار زده شدند. رویکرد جدید ترکیبی از تدابیر سنتی و مدرن است که هم شامل تدابیر قضایی و هم تدابیر اجرایی است و به سختگیری بیشتر در همه زمینه‌های مرتبط با سیاست کیفری اهتمام دارد، سختگیری در مرحله کشف و تعقیب، سختگیری در مرحله رسیدگی و صدور حکم و سختگیری در

مرحله اجرای حکم. ذیلاً به برخی از وجوه این سختگیری‌ها اشاره می‌گردد:

### ۵-۴-۱. سلب توان بزهکاری

رویکردی که در راستای سیاست کیفری سختگیرانه مورد توجه قانون‌گذاران و مجریان قرار گرفته است، سلب توان بزهکاری از مجرمین جرایمی است که مبارزه با آن اولویت دارد، استفاده از حبس‌های طولانی مدت و حذف امکان استفاده از راهکارهای تخفیف‌دهنده یا معاف‌کننده از مجازات مانند، نظام آزادی مشروط، تخفیف مجازات، عفو مجرمین، و تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم و مرور زمان در این راستا صورت گرفته است. بدین ترتیب مجرمین تحت مراقبت مستقیم قرار گرفته و با حذف از متن اجتماع، توان بزهکاری از آنان سلب می‌گردد. این راهکارها به دو قسم گزینشی و جمعی تقسیم می‌گردند. سلب توان بزهکاری گزینشی<sup>۱</sup> راجع به آن دسته از بزهکارانی است که امکان ارتکاب مجدد جرم از سوی آنان می‌رود. اما در سلب توان بزهکاری جمعی<sup>۲</sup> بر احتمال مجدد ارتکاب جرم در آینده تکیه نمی‌کند بلکه بر کلیه بزهکارانی که مرتکب جرایم کلان و شدید می‌گردند، یا مجرمان جرایم مکرر اعمال می‌شود (موناغان، ۱۳۷۸، ۶۳-۶۱). این راهبرد از آن جهت که می‌تواند بر کاهش نرخ تکرار جرم مؤثر باشد مورد تأکید بسیاری از حقوقدانان قرار گرفته است. ایرادی که بر آن وارد آمده به ویژه به جهت هزینه گزافی است که از اجرای احکام زندان

<sup>2</sup> Collection incapacitation

<sup>1</sup> Selective incapacitation

طولانی مدت بر جامعه تحمیل می‌شود (غلامی و نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸، ۱۱۲-۹۷).

#### ۵-۴-۲. رویکرد تشدید تعقیب بزهکاران

##### جرایم مهم و مکرر

با توجه به افزایش نرخ ارتکاب جرایم عمده و نرخ تکرار جرم و شکست تدابیر پیشگیرانه، و بازپروری، ضرورت ایجاد گروه‌های ویژه در مراجع تعقیب به خصوص در برخی کشورها چون آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. فرض بر اینست که با این رویکرد در کنار حتمیت اجرای مجازات، قدرت بازدارندگی کیفر افزایش می‌یابد.

این سیاست همراه با رویکردی دیگر در آمریکا تکمیل شد. سیاست «تسامح صفر» یا سیاست عدم انعطاف که ابتدا در نیویورک و سپس برخی دیگر از شهرها و کشورها پیگیری شد ناظر به سختگیری پلیس نسبت به ارتکاب هر گونه جرم است. این سیاست در مورد مجرمین جرایم خرد با انتقادهایی مواجه شده است (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲، ۱۸۹-۱۷۸).

#### ۵-۴-۳. استفاده از کیفرهای ثابت و کاهش

##### اختیارات قاضی

نظریه فردی کردن مجازات و نظام محکومیت نامعین که در غالب ایالات آمریکا تا پیش از دهه ۱۹۶۰ در آمریکا وجود داشت، به قاضی این امکان را می‌داد تا با توجه به وضعیت مجرم و اوضاع و احوال ارتکاب جرم، مجازات را فردی نماید، اما این شیوه که اعمال نظر وسیع توسط قاضی را فراهم

می‌نمود مورد انتقاد قرار گرفت. نظام مجازات‌های نامعین از این اعتقاد برخاسته بود که نظام عدالت کیفری توانایی اصلاح، تربیت و بازپروری مجرمان را داراست. اما تکرار فزاینده نرخ جرم و ناتوانی از کنترل میزان رو به رشد بزهکاری، تردیدهای جدی را در خصوص کارایی بازپروری بزهکاران به وجود آورد. گرایش به ضرورت دست کشیدن از اندیشه اصلاح و بازپروری منجر به بازگشت با رویکرد سیاست کیفری مبتنی بر شدت عمل و تأکید بر اجرای شعار نظم و قانون نسبه به جرم و مجرم گردید. برخی نهادهای مدنی، نظام محکومیت‌های نامعین را مستمسکی برای اعمال تبعیض نسبت به بزهکاران با در نظر گرفتن موقعیت اقتصادی و اجتماعی، نژادی و مذهبی متهم دانستند. لذا این تلقی که قضات با در نظر گرفتن این مسائل، احکامی ناعادلانه صادر می‌کنند برخی نویسندگان و جرم‌شناسان را وادار به پذیرش ایجاد محدودیت‌هایی در آزادی عمل قضات نمود و ضرورت یکسان‌سازی صدور احکام کیفری را گوشزد کردند. دامنه محدودیت اختیارات حتی به مسئولان زندان، قضات اجرای احکام و شوراهای اداره آزادی مشروط، نیز کشیده شد.

این تحولات فکری منجر به ایجاد تحولات گسترده‌ای در سیاست‌گذاری‌های کیفری گردید. برخی کشورها مانند آمریکا محدودیت‌های جدی در مورد هر گونه اعمال نظر قضایی یا اجرایی در خصوص صدور حکم و اجرای آن اتخاذ نمودند و کشورهای دیگر نیز حداقل در خصوص برخی جرایم مهم و مکرر چنین محدودیت‌هایی را در نظر

محکومین جرایم خشن و شدید، اقدام نمودند» (رضایی، ۱۳۹۷، ۴۲).

## ۵-۵. سیاست جنایی کنشی و واکنشی در اسلام در قبال جرم اقتصادی

در این قسمت دو نوع سیاست مشارکتی از نوع کنشی و واکنشی را مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### ۵-۵-۱. سیاست کنشی در قبال جرایم اقتصادی

دین مبین اسلام در تمام دوران نسبت به بیت‌المال و جرائمی که به نحوی سبب دست درازی به اموال مردم بوده با حساسیت خاصی واکنش داده است، و همین سیاست به اشکال مختلف نیز ادامه داشته است و دو نوع سیاست کنشی و واکنشی در قبال جرم اقتصادی وجود داشته که در ذیل به تشریح آنها پرداخته شده است. سیاست کنشی جنایی عمل شامل آن دسته از اقدامات غیرکیفری است که قبل از ارتکاب جرم و انتقال اندیشه به عمل با مداخله در شرایط مجرمانه انجام می‌شود. اساساً در ارتکاب جرم اقتصادی سه گروه احتمال وقوع جرم قابل تصور است، دسته اول اشخاص حقیقی یا شهروندان هستند. گروه دوم اشخاص حقوقی خصوصی، شرکت‌ها و شرکت‌های خصوصی که ارتکاب جرایم اقتصادی توسط آنها گسترده‌تر است و گروه سوم اشخاص حقوقی دولتی و شبه‌دولتی که در اکثر موارد طرفین جرایم گسترده و سازمان‌یافته هستند.

گرفتند. شرکت در برنامه‌های بازپروری برای زندانیان اختیاری گردید و در عین حال حتی در صورت اصلاح مجرم، منجر به آزادی وی از زندان نمی‌گردد و وی باید کیفر مورد محکومیت را تحمل نماید (غلامی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۹۷-۱۱۲).

### ۵-۴-۴. حتمیت اجرای مجازات (حقیقت در حکم)

حتمیت اجرای مجازات‌ها از زمره سیاست‌هایی است که به ویژه در مکتب سزاگرایی بر آن تأکید زیادی شده و اخیراً در قالب سیاست حقیقت در حکم به یکی از معروف‌ترین سیاست‌های کیفری اتخاذی در آمریکا تبدیل شده است. مطابق این سیاست، حکم محکومیت مجرمان خاص (جرایم جنسی و امنیتی) باید تا درصد بالایی (معمولاً تا ۸۵ درصد و گاه تا صد درصد به مورد اجرا گذاشته شود، هدف از اتخاذ این سیاست محدود کردن استفاده از نظام آزادی مشروط و سایر معافیت‌هایی است قانون برای مجرمین جرایم عادی پیش‌بینی نموده است. مانند تعلیق یا تعویق مجازات و هر نوع تدبیر دیگری است که منجر به آزادی مجرم شود. پیشتر در آمریکا مجرمین جرایم خشونت‌بار و شدید پس از تحمل ۴۶ درصد از دوره مجازات، آزاد می‌شدند. اما انتقادهای «بار» از جرم‌شناسان مطرح در این حوزه، ایالات آمریکا یکی پس از دیگری نسبت به تصویب و اجرای قانون تحمیل درصد بالایی از مدت محکومیت (غالباً ۸۵ درصد) به

مقابله با آن از مهمترین وظایف قوه قضائیه برای پیشگیری از مفاسد اقتصادی است. این امر به تدریج منجر به تهیه لوایح قانونی مناسب می‌شود» (مقیمی، ۱۳۹۶، ۹۲-۷۰).

در راستای سیاست جنایی فعال، مداخله در موقعیت‌های مجرمانه از طریق سیستم‌های نظارتی ضروری است، در حالی که در ایران، ضعف سیستم نظارتی یکی از عوامل اصلی جرایم اقتصادی است. همیشه این سوال مطرح بوده است که چرا با وجود نهادهای نظارتی متعدد مانند بازرسی کل کشور، همچنان شاهد انواع فساد مالی، اقتصادی و اقتصادی هستیم؟ در پاسخ به این سوال از یک سو می‌توان به عدم همکاری و مساعدت لازم قوای سه‌گانه ملی با یکدیگر و از سوی دیگر عدم فرهنگ‌سازی، تبلیغات و پذیرش موضوع به عنوان یک موضوع اشاره کرد.

## ۵-۵-۲. سیاست جنایی واکنشی در قبال

### جرایم اقتصادی

«این نوع سیاست جنایی در واقع پاسخی به مجرم و بزهکاری است و شامل مجموعه اقدامات نظام عدالت کیفری است که پس از وقوع جرم برای جلوگیری از ارتکاب مجرمان بالقوه و بالفعل اعمال می‌شود. به عبارت دیگر مجازات به عنوان سلاحی برای پیشگیری از جرم به عنوان سنتی‌ترین و اجتماعی‌ترین راه‌حل استفاده می‌شود. برداشت از مجازات این است که ماهیت ارعاب و آموزش مؤثر است و مجازات مجرم به دنبال جلوگیری از تکرار جرم است و انتظار می‌رود که مجازات مجرم از هر

واضح است که برخورد و پیشگیری از جرایم اقتصادی احتمالی توسط هر یک از این دو گروه متفاوت است. مسلم است که جلوگیری از مفاسد اقتصادی توسط دولتمردان قدرتمند و بانفوذ که مدعی مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز هستند بسیار دشوار است. برای کنترل بهتر مفاسد اقتصادی، دولت نیاز به مدیریت صحیح محیط فیزیکی، و اجتماعی دارد تا فرصت‌های جرم و جنایت را به حداقل برساند. آنها همچنین مدیریت صحیح محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و جنایی را کنترل می‌کنند. از سوی دیگر زمینه‌های بسیاری در وقوع جرم اقتصادی دخیل است. مولفه‌های زمینه‌ای مانند بیکاری و به ویژه بیکاری جوانان، دستمزدهای پایین، توزیع ناعادلانه ثروت و... که بدون شناخت این مولفه‌ها و تلاش برای رفع آنها اساساً پیشگیری از وقوع جرم اقتصادی محقق نخواهد شد. و همانطور که قبلاً گفته شد، سیاست جنایی برای اثربخشی در کنترل و مهار پدیده بزهکاری باید در قالب یک برنامه، استراتژی و در کل سیاست اجتماعی باشد و ابزار آن را نه تنها در پاسخ‌های سرکوب‌کننده و تنبیهی، بلکه بازدارندگی را نیز پیش‌بینی نماید. پیشگیری از جرم نقش عمده‌ای در تعیین سیاست جنایی ایفا می‌کند.

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه باید در دو حوزه پیشگیری، و مجازات مجرمان به طور همزمان وظایف خود را انجام می‌دهد. اجرای طرح‌های تحقیقاتی برای ریشه‌یابی جرایم اقتصادی از منظر قضایی و یافتن راهکارهای مناسب برای

مجرمی که ممکن است مرتکب شده باشد بازدارندگی داشته باشد. در واقع جامعه با چنین واکنشی قصد دارد با ایجاد ترس از رفتن جایگاه اجتماعی مجرمان بالقوه و بالفعل از سوق دادن آنان به سمت جرم و جنایت جلوگیری کند. مجازات یک رویکرد سنتی است که در واقع واکنشی به جرم است. این رویکرد از زمان شکل‌گیری جوامع بشری حول این توجیه بوده است که مجرم باید به کیفر و بازدارندگی مجرم و مجازات مجرمان احتمالی منجر شود» (نجفی توانا، ۱۳۹۹، ۶۳).

«این نوع تفکر جنایی را می‌توان در سیاست جنایی ایران مشاهده کرد، سیاستی که صرفاً مبتنی بر برداشت‌های انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات است و نه تنها نظام قضایی را با بحران تورم کیفری، بلکه حقوق، از اول انقلاب و آزادی‌های فردی، زمینه‌های نارضایتی بی‌اعتمادی جامعه نیز به عملکرد و از بین رفتن سیاست جنایی کمک کرده است.

سرکوب در متون مجرمانه، بدون توجه به مصالحه اجتماعی، به دلیل تعدد رفتارهای مجرمانه و احتمال بیشتر، از قبیح اعمال مجرمانه، از تعهد افراد و احترام به ارزش‌های جامعه می‌کاهد» (نجفی توانا، ۱۳۹۹، ۱۷).

**۶. نتیجه‌گیری**

اساساً از منظر اسلام سیاست جنایی نمی‌تواند تنها به پاسخ‌های کیفری به جرم و در قالب قانون کیفری و آیین دادرسی کیفری محدود شود، بلکه رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه نیز در تبیین سیاست جنایی نقش اساسی دارد. به ویژه جرایم کلان

اقتصادی جرایمی است که مجرمان با روش‌های پیچیده و گاه با استفاده از قدرت و نفوذ خود در بدنه نظام مرتکب می‌شوند و بدین ترتیب اقدامات پیشگیرانه توسط قانون‌گذار به نحو مؤثرتری نسبت به اقدامات انضباطی تشخیص داده می‌شود. موفقیت در پیشگیری، به مشارکت همه بازیگران جامعه مدنی بستگی دارد. سیاست جنایی «مشارکتی» به معنای دخالت، مشارکت و مشارکت شهروندان، سازمان‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در کنترل جرم است. در واقع به معنای بسیج همه جانبه برای پیشگیری، و مبارزه با پدیده مجرمانه از طریق مشارکت شهروندان است. سیاست جنایی با مشارکت گسترده جامعه غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به طرح سیاست جنایی تهیه شده توسط قوه مجریه و مقننه جامعه عمل پوشانده است». سیاست جنایی مشارکتی کم هزینه‌ترین راه مقابله با پدیده جرم اقتصادی است. در واقع مشارکت مردم در سیاست جنایی به این معناست که پیشگیری، و سرکوب جرم از جمله موضوعاتی است که همه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلایل متعددی برای پیدایش سیاست جنایی مشارکتی ذکر شده است که می‌توان آن را پدیده مجرمانه رو به رشد، ظهور اشکال و حجم‌های جدید بزهکاری و در نهایت ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در مهار بزهکاری خلاصه کرد. معنای مشارکت نیز دارد و شرط مشارکت نوعی دیگر تأکید بر لزوم مداخله جامعه است زیرا بدون دخالت جامعه که رکن جامعه مدنی است، امکان پیمودن این مسیر میسر نخواهد بود.

## ۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تألیف مقاله مشارکت داشته‌اند.

## ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.



## منابع

- دادگستری، دوره جدید، شماره بیست و یکم، ۱۳۸۶.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- اسجوگران واسکوج، «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.
- دادخدایی، لیلا، فساد مالی- اداری و سیاست جنایی مقابله با آن: با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- رستمی، ولی، «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره سی و هفتم، شماره دوم، ۱۳۸۶.
- رضایی، حمزه، واکاوی نیم رخ جنایی ایران در قبال فساد اقتصادی و اداری، تهران، انتشارات نگارستان، ۱۳۹۷.
- رئیس دانا، فریبرز، چکیده مباحث مطرح شده در محور جرایم مالی- اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۳.
- ژان لوک بچر و نیکلا کلوز، «جرم اقتصادی و کنترل آن»، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی
- عشماوی، سعدالدین محمد، مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه حسین نصراللهی و سید عیسی حسینی، تهران، انتشارات ناجا، ۱۳۸۶.
- غلامی، حسین، علی حسین نجفی ابرندآبادی، «نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم»، مجله مدرس، دوره سوم، شماره چهارم، ۱۳۷۸.
- کرمی، محمد، رضوی خبیر، علیرضا، صادقی، قدرت الله، «مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها»، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان، ۱۳۹۲.
- معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۲.
- مقیم، مهدی، «مطالعه حقوقی، جرم‌شناختی جرائم اقتصادی، (با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی)»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۶.
- موناغان، به نقل از حسین غلامی، «سیاست کیفری سختگیرانه»، دانش انتظامی، شماره بیست و هفتم، ۱۳۷۸.

- مهدی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «تحلیل جرم‌شناسی جرایم اقتصادی»، مجله تعالی حقوق، سال اول، شماره پنجم، ۱۳۸۵.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۲.

- نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، تهران، نشر آوای حکمت، ۱۳۹۹.

- نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.

- ویلسون، جیمز کی، کلینگ، جورج ال، «پنجره‌های شکسته، پلیس و امنیت محلی»، ترجمه محمد صادری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره چهل و سی‌ام، ۱۳۸۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## Islam's participatory criminal policy towards economic crimes

Roozbeh Asghari<sup>1</sup>, Hassan Haji Tabar Firoozjaei<sup>2\*</sup>, Abolhassan Shakeri<sup>3</sup>

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Associate Professor Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

3. Professor Department of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-17

Article history:

Received: 26 Jun 2021

Edition: 31 Aug 2021

Accepted: 28 Oct 2021

Published online: 25 Dec 2021

### Keywords:

Criminal Policy, Islam, Economic Crimes.

### Corresponding Author:

Hassan Haji Tabar Firoozjaei

### Address:

Department of Law and Political Science, Babolsar Branch, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

### Orchid Code:

0000-0003-2156-1344

### Tel:

09112158173

### Email:

hajitabar@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Islam has always emphasized participatory criminal policy. In fact, the role and position of people and civil society in the field of criminal science and response to criminal phenomena, especially economic crimes, has always been variable and the same situation in the history of criminal justice has laid.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical considerations:** In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the content, honesty and trustworthiness have been observed.

**Results:** The main role and purpose of criminal policy in a society is effective control of crime and curbing criminal phenomena. The purpose of economic policy in the field of economics is to fight corruption and economic crime. Governments are always trying to be economically efficient by making policies and implementing various programs. Because economic peace and stability is the most important and fundamental component of security.

**Conclusion:** Corruption in the economic system is a crime that has been the focus of Iranian legislative policies for many years, but the legislator's haste in drafting related laws has prevented him from pursuing a coherent and decisive criminal policy in this regard. Therefore, success in preventing economic crime-related crimes depends on the participation of all civil society actors.

### Cite this article as:

Asghari A, Haji Tabar Firoozjaei H, Shakeri A. Islam's participatory criminal policy towards economic crimes. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(4): 1-17.